

سرمقاله

اکنون بیش از هر دوره‌ای نیاز به معنویت احساس می‌شود؛ اما در مقابل، انزجار از ادیان اصولی شدت گرفته است. برخی ماجرای بی‌رغبتی را در این نهفته می‌دانند که قوام ادیان به تعبد است و امروزه عقلانیت مدرن، تعبد گریز شده است. انسانِ امروزی چنان بر ماده مستولی شده است و همچون موم با طبیعت بنا بر نیاز یا احساس نیاز خود بازی می‌کند که گویی بر آن خدایی می‌کند. امروزه چون «Z» گفته است «X» همان «Y» است، مقبول انسان مدرن نمی‌آید؛ این یعنی اسارت و تحقیر در برابر آنچه که او را لمس نمی‌کند.

و یا اینکه فرهنگ حاکم بر جوامع بشری به شدت از روح متافیزیک و مابعدالطبیعه ادیان اصولی فاصله گرفته است.

در این دوره، دیگر متافیزیکی که ادیان اصولی از آن یاد کرده و تعالیم خود را بر اساس آن بنا کرده‌اند مورد رضایت انسان نیست. عقلانیت حاکم بر این دوره، دیگر چنین ادعاهایی را بر نمی‌تابد. ارزش و وقاری که قبل از این دوره در مابعدالطبیعه ادیان اصولی وجود داشت، بنیاد هر انسانی را به لرزه می‌انداخت؛ اما اکنون این متافیزیک در اذهان فرو ریخته است.

حاکمیت این دو مؤلفه بر روح این دوره به این معنا نیست که انسان دست از معنویت شسته است تا مدافعان ادیان با لبخندی از سر تأمل، گمان برآورند که فرار از معنویت، اجتناب ناپذیر است و معنویت در ادیان اصولی منحصر شده است؛ به عبارت دیگر آنچه مخاطبان دیندار این نوشته و دانشمندان سنت‌های مختلف دینی و نواندیشان دینی - که دغدغه دینی کردن عصر جدید را دارند - با آن دست به گریبان‌اند، این مسئله چالش برانگیز است که اگر پدیده دیگری، هم عرض دین بتواند مقصود و غایت مؤسسان و آورندگان ادیان را در دوران جدید برآورده کند، دین در عصر جدید چه کار کردی خواهد داشت؟

اکنون موج عظیمی از تفکرات علمی، داعیه‌دار این نکته است که معنویت در انحصار ادیان نیست. آبراهام مزلو که نوشته‌هایش باعث برجسته شدن جنبش انسان‌گرایانه در روان‌شناسی است معنویت را از مهم‌ترین عناصر نگرش انسان‌گرایانه می‌داند. او در کتاب «دین، ارزش و تجارت اوج» چنین می‌گوید: «می‌خواهم نشان دهم که ارزش‌های معنوی، معنا و مدلولی طبیعی‌گرایانه دارند؛ بدین معنا که در مالکیت انحصاری ادیان نهفته نیستند و برای کسب اعتبار هم نیازی به مفاهیم ماورای طبیعی ندارند و به خوبی در علم تجربی - به معنای موسع آن - می‌گنجند؛ از این رو معنویت، مسئولیتی عمومی است که بر دوش همه افراد بشر است.»^۱

جریان چنین طرز فکری در برخی از حوزه‌های علمی در حال رخ دادن است و تبلور آن در جریاناتی که از آن به «جنبش‌های نوپدید دینی» یاد می‌کنیم در حال گسترش است. این نوشته مختصر که تنها جرقه‌ای برای قوت گرفتن اساس مسئله «معنویت منهای ادیان» و برانگیختن همتی مجاهدانه برای پاسخگویی علمی به آن است، به تمامی دستداران دینی شدن و دینی‌بودن تقدیم می‌شود.

سردبیر

۱. Maslow A H (1976) Religion, Values, and Park experiences. New York: Penguin.p:۳۳.